

فصل نامه جندی شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال دوم، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۵

دوران اوج جاده ابریشم مابین چین و امپراطوری روم (حدود ۹۰-۱۳۰ میلادی)^۱

جی. تورلی^۲

ترجمه کلثوم غضنفری^۳ و احسان الله سبط الشیخ^۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۱۲

به طور دقیق نمی دانیم چه زمانی چینی ها شروع به صادرات ابریشم خود در امتداد مسیرهای تجاری آسیای مرکزی به سمت غرب کرده اند. به نظر می رسد حزقیال^۵ با ابریشم آشنا بوده است و شاید اشعیا^۶ درباره چینی ها شنیده باشد. در سال ۱۱۵ قبل از میلاد به دلایل محکمتری در این زمینه دست می یابیم، چرا که مهرداد دوم اشکانی با وو تی^۷، امپراطور بزرگ چین از سلسله هان، حداقل تا حدی برای تسهیل ارتباط بازرگانی بین این دو قدرت که برای نخستین بار از لحاظ تجاری به هم دسترسی پیدا کرده بودند، متحد می شود. نیم قرن بعد ژولیوس سزار پرده هایی ابریشمین داشت.^۸ ولی تجارت در این دوره صرفاً در مقیاس اندکی صورت می گرفت. مسیرهای کاروان رو از ناحیه اوردوس^۹ در چین شمالی تا مرز شرقی

۱. این مقاله، ترجمه ای است از:

Thorley, J. The Silk Trade between China and the Roman Empire at Its Height, 'Circa' A. D. 90-130. *Greece & Rome*, Vol. 18, No. 1 (Apr. , 1971), pp. 71-80.

2 J. Thorley

۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران k.ghazanfari@ut.ac.ir

۴. کارشناس تاریخ از دانشگاه تهران ed.sebt@gmail.com

5. Ezekiel

6. Isaiah

7. Wu Ti

8. Esekiel 16: 10 and 13; Isaiah 49: 12 (اگر واژه 𐎠𐎢𐎽𐎢𐎰 به "چینی" اشاره داشته باشد)

9. Ordos

ایران از قلمرو قبایل ترک متعددی می‌گذشت که برای مدت‌ها عملاً بدون رقیب بر آسیای مرکزی چیره بوده‌اند.

در دوره آگوستوس، تجارت به سرعت در نتیجه رفاهی که صلح برای دنیای رومی به ارمغان آورد، افزایش یافت. امپراطوری روم از این زمان تا سقوطش هرگز بدون ابریشم نماند.

ولی برای دوره‌ای حدوداً ۴۰ ساله در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم میلادی، جاده ابریشم تقریباً در تمام مسیر آن از شمال چین تا روم یکپارچه در آرامش بود و شرایط دادوستد در آن مطلوب‌تر از پیش بود و این وضعیت همواره تا تأسیس امپراطوری مغول ادامه داشت. نه فقط چین و روم، خود از این رفاه بهره‌مند بودند، بلکه برای نخستین بار دو دولت اشکانی و کوشان که بین آنها قرار داشتند و نیرومند، آگاه و علاقمند به تجارت بودند نیز سود می‌بردند. حال ببینیم چگونه این اتفاق افتاد.

در استپ‌های شمال و شمال‌غربی چین، اتحادیه‌ای از قبایل صحرانورد به نام هسیونگ‌نو^۱، منبع نگرانی زیادی برای سلسله نخستین هان در چین (۲۰۶ قبل از میلاد تا سال نهم میلادی) بودند. سلسله قبلی چه این^۲ (۲۰۶-۲۵۵ قبل از میلاد) دیوار بزرگ را تکمیل کرده بود تا از سرزمین‌های خود در برابر هسیونگ‌نو دفاع کند و نخستین فرمانروایان هان تقریباً با نبردی دائم که توام با رشوه دادن بود، حداقل موفق شدند مانع از تهاجم تمام عیار آنها شوند. در سال ۱۱۹ قبل از میلاد، امپراطور وو تی هسیونگ‌نو را به بیرون از منطقه اوردوس و ایالت کان‌سو^۳ و در امتداد هوانگ‌هو^۴ راند. این جنگ و گریزهای متوالی برای نیم قرن دیگر ادامه یافت، ولی تا سال ۵۰ قبل از میلاد امپراطوری هسیونگ‌نو عمدتاً به دلیل تلاش چینی‌ها، قحطی، طاعون و درگیری‌های داخلی فروپاشید. اندکی بعد، قبایل هسیونگ‌نو به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شدند که دومی تحت کنترل چینی‌ها درآمد و برای بیش از یک قرن، چین دیگر از هجوم بیابانگردان در عذاب نبود. ولی در سال‌های ۷۰-۶۰ میلادی گروه شمالی هسیونگ‌نو سعی کرد تا به سمت ترکستان (سین‌کیانگ امروزی) یعنی جایی که فرمانروای نیرومند یارکند^۵، که شهر مهمی در جاده ابریشم بود، به تازگی درگذشته بود، پیشروی کند. لشگری چینی به ترکستان فرستاده شد و پان‌چائو یکی از فرماندهان چینی پس از لشگرکشی طولانی و با وجود کارشکنی‌های دولتی در وطن خود و همچنین توسط هسیونگ‌نوها، در نهایت کنترل ترکستان را در حدود سال ۹۰ میلادی بدست گرفت.

-
1. Hsiung Nu
 2. Ch in
 3. Kansu
 4. Hwang Ho
 5. Yarkand

پادگان‌هایی از نیروها در ناحیه مستقر شدند و جمعیتی از تجار چینی در طول مسیرهای تجاری سکنی گزیدند. نتیجه اینکه مسیرهای مختلفی از کارگاه‌های ابریشم در چین شمالی تا حوزه تاریخ کاملاً به دست چینی‌ها افتاد.

در رابطه با تاریخ آینده این مسیر در امتداد کوه‌های پامیر و به سوی دره جیحون، بار دیگر باید با هسیونگ‌نوها آغاز کنیم. در حدود ۱۷۰ قبل از میلاد، زمانی که هسیونگ‌نوها توسعه به سمت دره‌های حاصلخیز شمال چین را دشوار یافتند، بار دیگر به سوی همسایگان خویش در غرب و جنوب، یوئه‌چی-ها، بازگشتند که مراتع خوبی داشتند و آنها را به سوی غرب راندند. بیشتر قبایل یوئه‌چی به سواحل دریاچه آرال رسیدند و به نوبه خود سکاها را به سمت غرب راندند که از طریق شرق ایران به سوی شمال‌غربی هند آمده بودند و نخستین گروه آنها در حدود ۸۰ پیش از میلاد به آنجا رسیده بود. مدتی پس از سال ۱۲۸ قبل از میلاد، یوئه‌چی‌ها در پی قبایل سکا و به سمت جنوب به سغد و بلخ رسیدند. برای تقریباً دو قرن، یوئه‌چی‌ها به تحکیم قدرت خود در این منطقه پرداختند و سپس در میانه قرن اول میلادی به رهبری شاهانی توانا نخست به سمت کشمیر و سپس شمال‌غربی هند پیشروی کردند و بار دیگر شاهان سکایی را جابجا کردند. پادشاهی کوشان (در هند یوئه‌چی‌ها با این عنوان معروف بودند) به زودی بر بیشتر شمال هند چیره شد. بزرگ‌ترین شاه آن، کانیشکا حامی هنرها و دین بودایی در اوایل قرن دوم میلادی حکومت می‌کرد. جاده ابریشم از بخش شمالی قلمرو وی می‌گذشت.^۱

در غرب پادشاهی کوشان، ایران قرار داشت. پس از مرگ اسکندر، حفظ بخش شرقی قلمرو وی که تحت فرمان سلسله سلوکی بود، دشوار می‌نمود. در حدود ۲۳۸ قبل از میلاد، قبیله پرنی از جنگ‌های داخلی در غرب پادشاهی سلوکی بهره جست تا کنترل شهربانی پارت را که بین جیحون و منتهای جنوبی دریای کاسپی قرار داشت بدست گیرد. قرن بعد شاهد نبرد تقریباً پیوسته بین اشکانیان و نیروهای سلوکی بود، ولی دولت اشکانی به تدریج تا ۱۳۸ قبل از میلاد گسترش یافت. این دولت در غرب به فرات و در شرق به مرز بلخ رسید. بلخ برای مدتی طولانی حفظ نشد. نخست سکاها و سپس یوئه‌چی‌ها وارد آنجا شدند. ولی با وجود درگیری‌های داخلی و گرفتاری‌های پیوسته با روم در مرز غربی، دولت اشکانی

۱. برای گزارشی کامل‌تر در این مورد ر. ک.

G. F. Hudson, *Europe and China* (London, 1931), 55-67; R. Thapar, *A History of India* (Harmondsworth, 1966), i. 95-8.

تاریخ این مهاجرت‌ها مشخص نیست، اما امروزه به طور کلی اعتقاد بر این است که حکومت کانیشکا در نیمهٔ اول قرن دوم میلادی سقوط کرده است.

تا قرن سوم میلادی، با سیستمی اجتماعی که تا حدی می‌توان آن را فئودالی تعریف کرد و با رفاهی که ناشی از نظارت دقیق بر ترانزیت تجاری کاروان‌ها بود، یکپارچه باقی ماند.^۱

قلمرو سلوکی در غرب فرات، پس از مرگ آنتیوخوس چهارم در ۱۶۴ قبل از میلاد، به چندین دولت مستقل تقسیم شد. سلسله سلوکی به مدت چندین سالی در سوریه باقی ماند، ولی در ۶۳ پیش از میلاد، پمپی سوریه را اشغال و آن را به همراه یهودیه، تبدیل به ایالتی رومی کرد. شهرهای تجاری دمشق، پالمیرا و پترا تا مدت‌ها پس از دوره پمپی در هیچ ایالت رومی ادغام نشدند. دمشق پیش از آن که نهایتاً در حدود سال ۶۲ میلادی به سوریه ملحق شود، دو بار تصرف شد و دو بار به دست پادشاهی‌های تابع افتاد. پالمیرا احتمالاً در حدود سال ۱۷ میلادی تصرف شد، ولی بخش زیادی از استقلال خود را به ویژه از نظر نظامی نگه داشت. پترا پایتخت نبطی‌ها بود که در سال ۶۲ قبل از میلاد متحد روم شدند. این دولت، یک پادشاهی تابع شمرده می‌شد تا اینکه در سال ۱۰۶-۱۰۵ میلادی در ایالت پترای عربی ضمیمه امپراطوری روم گردید. تقریباً همان زمان، جاده‌های جدیدی ساخته و ایستگاه‌های بازرسی بیشتری در ناحیه بین فرات و دریای مدیترانه ایجاد شد تا مانع هر گونه مشکل احتمالی از جانب بدوی‌های ساکن در صحرای سوریه شود که بر مسیرهای تجاری تأثیری جدی داشتند. تا سال ۱۰۶ میلادی، امپراطوری روم به طور رسمی کنترل همه مسیرهای تجاری زمینی غرب فرات را که ابریشم از آن به روم حمل می‌شد، در اختیار داشت.

قابل ملاحظه است که از حدود سال ۹۰ میلادی، زمانی که چینی‌ها حوزه تاریخ را به کنترل خود درآورده بودند، ابریشمی که از شمال چین به روم حمل می‌شد، باید تنها از چهار قلمرو می‌گذشت: چین، پادشاهی کوشان، دولت اشکانی و امپراطوری روم، و مسیر جایگزین از طریق پترا نیز در قلمرو روم بود و پیش‌تر نمی‌رفت.

بیا باید اکنون اقتصاد تجارت ابریشم را در این دوره مورد توجه قرار دهیم: چه کسی آن را بر عهده داشت و چه چیزی در قبال تبادل آن پرداخت می‌گردید؟ کاروان‌های چینی می‌توانستند بدون مزاحمت از شهرهای شمال چین، نظیر چانگ‌آن^۲ یا لویانگ^۳ (پایتخت) به مرز چین در سمت شرقی کوه‌های پامیر برسند. در آن جا، آن‌ها وارد بخش‌های شمالی پادشاهی کوشانیان می‌شدند. در آنجا نه فقط جاده ابریشم از قلمرو کوشانیان می‌گذشت، بلکه مسیر اصلی تجاری که شمال هند را به آسیای مرکزی متصل می‌کرد، از قلمرو کوشانیان عبور می‌کرد. اکتشافات در بگرام، شهری مهم در این مسیر شاید پرتوی بر ساماندهی همه

1. See M. A. R. Colledge, *The Parthians* (London, 1967), Esp. 22-35.

2. Chang-an

3. Loyang

مسیرهای تجاری در قلمرو ایشان بتاباند. در بگرام، در دو اتاق ساختمانی بزرگ، احتمالاً یک قصر، مجموعه بزرگی از اشیاء زیبا و قیمتی عجیب و غریب از غرب، شرق دور و هند یافت شده‌اند. ظاهراً این اتاق‌ها به عنوان انبار گمرک مورد استفاده بوده‌اند که در آنها عوارض عبور کاروان‌ها جمع‌آوری می‌شد.^۱ احتمالاً تجار چینی جاده ابریشم به سمت شمال، اجازه عبور از قلمرو کوشانیان را با پرداخت عوارض مشابهی داشتند.

بازرگانان چینی در امنیت از طریق قلمرو کوشان‌ها وارد قلمرو اشکانی می‌شدند و برای آن‌ها مسافرت به سوی غرب به زودی به پایان می‌رسید. آنها احتمالاً تنها مجاز بودند تا مرو، نخستین شهر بزرگ در قلمرو اشکانی، بروند ولی مطمئناً فراتر از آن اجازه نداشتند. در دوران هان، گزارشی از تنها چینی که از قلمرو اشکانی گذشت، وجود دارد. او یک بازرگان نبود. بنا بر آن چه در هو-ها-نشو^۲، سالنامه سلسله هان متأخر (شرقی)، آمده است زمانی که پان‌چائو در آسیای مرکزی بود، کان‌یینگ^۳ نامی را به عنوان سفیر به تا-تسین^۴ فرستاد که ایالات شرقی امپراطوری روم بودند. ولی زمانی که وی به مرز غربی قلمرو اشکانی رسید، دریانوردان اشکانی به او گفتند که مسافرت از طریق دریا (احتمالاً به دور عربستان) طولانی و دشوار است. به او گفته نشده بود که راه زمینی بسیار کوتاه‌تری به پالمیرا وجود دارد! با این وجود می‌دانیم که کان‌یینگ اطلاعاتی درباره تا-تسین از طریق اشکانیان به دست آورده بود و به همراه این اطلاعات و معلومات تقریباً دست اول از قلمرو اشکانی به چین بازگشت. مؤلف هو-ها-نشو به اندازه‌ای زیرک بود که متوجه شد چرا کان‌یینگ از پیش‌رفتن بازداشته شده بود: «آن-هسی^۵ (اشکانیان) می‌خواستند که تجارت ابریشم چینی با آنها (مردم تا-تسین) را در دست خود نگه دارند و به این دلیل بود که مانع برقراری ارتباط می‌شدند»^۶.

1. See R. E. M. Wheeler, *Rome Beyond the Imperial Frontiers* (London, 1954, 191-5).

2. Hou-han-shu

3. Kan-ying

4. Ta-ts in

5. An-hsi

6. Hou-han-shu, ch. 88.

متن و ترجمه آن در اثر ذیل موجود است:

F. Hirth, *China and the Roman Orient* (Leipzig, 1885).

اگرچه نظر مولفان چینی این است که کان‌یینگ تا سواحل دریای سیاه در نواحی جنوبی قفقاز پیش رفت، اما دیدگاه معمول این است که کان‌یینگ به خلیج فارس رسیده است (ر. ک).

C. P. Fitzgerald, *A Concise History of East Asia* (London, 1966), 39-40).

بنابراین تجار چینی مجبور بودند تا ابریشم خود را در مرو به اشکانیان بفروشند. آن چه آنها در عوض دریافت می‌کردند، اکنون برای ما تا حد زیادی محل حدس و گمان است ولی برای هو-ها-نشو که حاوی مستنداتی از تا-تسین و آن-هسی بود، باید گزارش‌های کان‌یینگ را در نظر بگیریم. به نظر می‌رسد اشکانیان تنها شیرها و چند جانور ناشناخته را برای صادرات عرضه کرده باشند که به عنوان هدیه در سال ۸۷ میلادی برای امپراطور چین ارسال شدند. البته تولیدات تا-تسین لیست قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهد که از محتویات آن می‌توان فهرستی از کالاها را در نظر آورد که اشکانیان در مرو به چینی‌ها می‌دادند. البته که اشکانیان تا زمانی که چینی‌ها نمی‌توانستند از قلمرو آنان بگذرند درباره منبع این کالاها کاملاً صادق بودند. این فهرست تنوع دارد ولی تنها شامل موادی با ارزش در حجم کم می‌شود که خود موضوعی اساسی در تجارت زمینی طولانی است:

این کشور دارای طلا، نقره و سنگ‌های زیبای نادر، به ویژه «جواهری که در شب می‌درخشد»، «مرواریدی به درخشش ماه»^۱، هسیه-چی-هسی^۲، مرجان، کهربا، شیشه، لنگ-کان^۳ (نوعی مرجان)، چو-تان^۴ (شنگرف؟)، سنگ یشم سبز، قالی‌های زربفت و البسه ابریشمی نازک در رنگ‌های مختلف بود. آن‌ها البسه طلایی‌رنگ و از جنس پنبه کوهی تهیه می‌کردند. علاوه بر این، لباس‌های خوبی داشتند

۱. سنگ ماه؟ (م.)

۲. *Hsieh-chi-hsi* (chicken frightening rhinoceros stone): معادل چینی این اصطلاح 骇鸡犀-ها چی شی- است که تعابیر متفاوتی از آن شده است. در برخی منابع چین باستان شاخ یا عاج يك حيوان دریانی عجیب‌الخلقه است اما به احتمال این توضیح درست نیست و این اصطلاح بایستی معادل چینی نام يك سنگ قیمتی ایرانی باشد که از جنس عاج کرگدن در جنوب شرقی ایران در سیستان ساخته شده است. در ترجمه انگلیسی کاراکترهای چینی به ص ورت *Hsieh-chi-hsi* ترجمه تحت‌اللفظی شده‌اند درحالی‌که اگر آن را یک نام ایرانی بدانیم قابل ترجمه نیست. برای توضیحات بیشتر در این مورد ر. ک.

冉万里《略论唐代遗物中所见的犀牛题材及相关问题》，《西部考古》第 2 辑。西安：三秦出版社，2007 年，pp. 41-46.

زان وان لی، موضوعات و مباحث مرتبط با کرگدن در آثار باقیمانده از سلسه تانگ، باستان‌شناسی غربی، سری دوم، شی آن، انتشارات سان چین، ۲۰۰۷، ص ۴۱-۴۶.

(مترجمان در این مورد مدیون توضیحات حمیدرضا پاشا زانوس هستند).

3. Lang-kan

4. Chu-tan

که گفته می‌شد از گوسفند آبی می‌گیرند و از پیله کرم‌های ابریشم وحشی ساخته می‌شود. آنها همه نوع ماده خوشبو را جمع‌آوری می‌کردند و عصاره آن را با جوشیدن به صورت استوراکس^۱ درمی‌آوردند. برخی از این موارد واقعاً محصول هیچ یک از بخش‌های امپراطوری روم نبود و به احتمال درست است که اشکانیان تقریباً این چیزها را از ایالات شرقی به دست می‌آوردند. بیابید آن‌ها را جداگانه بررسی کنیم. طلا و نقره مطمئناً محصولات امپراطوری روم بودند. در پایان قرن اول میلادی، اسپانیا همچنان منبع اصلی هر دو فلز بود، ولی اندکی بعد بالکان منبع اصلی طلا شد. اساساً این طلا و نقره بود که بازرگانان چینی در جستجوی آن بودند، چرا که چین اندکی از این دو فلز بهره داشت و چینی‌ها برای این فلزات در بازگشت به خانه مبلغ خوبی می‌گرفتند. طلا و نقره در صدر فهرست هو-ها-نشو هستند. افزون بر این، در صدر فهرستی حتی کامل‌تر از محصولات تا-تسین در وئی-لیو^۲، تاریخ سلسله وئی (۲۶۴-۲۲۰ میلادی) قرار دارند.^۳

مدیترانه و دریای سرخ هر دو دارای مرجان هستند که همچنان به صورت تجاری جمع‌آوری و در زیورآلات استفاده می‌شوند. به نظر می‌رسد که خود رومی‌ها مرجان‌ها را خیلی جذاب نمی‌دانسته‌اند، ولی هندی‌ها و همچنین چینی‌ها آن را در زمره سنگ‌های قیمتی یا نیمه قیمتی به حساب می‌آوردند و در نتیجه ارزش تجاری قابل ملاحظه‌ای برای تجار رومی داشت.^۴

شیشه با کیفیت بسیار بالا در اسکندریه و سوریه تولید می‌شد و از آن‌جا نه فقط در امپراطوری روم، بلکه در بسیاری از بخش‌های آسیا نیز پخش می‌شد. یافت شیشه رومی در آسیای مرکزی و در خود چین، آن چه را در هو-ها-نشو آمده تأیید می‌کند. درباره تاریخ ورود شیشه‌گری به چین اختلاف نظر وجود دارد. دیدگاه غالب بر آن است که این صنعت توسط صنعت‌گران یوئه‌چی در قرن پنجم میلادی معرفی شد. در این صورت، بی‌شک چینی‌ها لوازم شیشه‌ای با کیفیت بالا را به عنوان کالایی پرتجمل به حساب می‌آوردند و آماده پرداخت قیمت‌های خوبی (به صورت ابریشم) در برابر آن بودند. ناآشنایی چینی‌ها با شیشه، از سالنامه‌های سلسله‌های اولیه آشکار می‌شود که بین کریستال و شیشه فرقی نمی‌گذارند. در

۱. Storax؛ ص مغی به نسبت معطر که از درختی در مدیترانه شرقی به دست می‌آید و در پزشکی، عطرسازی و تهیه بخورات استفاده می‌شد. برای توضیحات بیشتر ر. ک. ص فحات بعدی پژوهش حاضر

2. Wei-lio

3. See Pliny, *NH* xii. 84.

متن و ترجمه آن در اثر Hirth که بیشتر نام آن آمد، ذکر شده است. تفسیرات او بر متن مذکور نقطه آغاز بیشتر قسمت‌های مقاله حاضر است.

4. See Pliny, *NH* xxxii, 21

حقیقت، نمونه‌ای از این اشتباه در گزارش تا-تسین در هو-ها-نشو آمده است که اظهار می‌دارد «آن‌ها از کریستال برای ساختن پایه‌ها استفاده می‌کنند. ظروف غذاخوری نیز این گونه ساخته می‌شوند». این بی‌خبری اگر که اشکانیان از آن آگاه بودند می‌توانست کاملاً به ضرر آن‌ها باشد!^۱

فرش‌های زربافت و البسه به رنگ طلایی نیز محصولات اسکندریه و سوریه بودند. بنا به گفته پلینی، عمل بافندگی با رشته‌های باریک طلایی به صورت یک پارچه، توسط آتالوس سوم^۲ از پرگامون^۳ اختراع شد و در نتیجه مواد اولیه آن آتالیکا^۴ نامیده می‌شد. ولی همین فرآیند به دقت در کتاب خروج^۵ برای ساخت جامه هارون^۶ تعریف شده است، پس این هنر خیلی قدیمی‌تر از آن بود که پلینی تصور می‌کرد.^۷ مشخص شده که البسه‌هایی از پنبه کوهی نیز در کارگاه‌های الوانت^۸ تولید می‌شده است. عبارت چینی به معنای «لباسی که می‌تواند با آتش پاک شود» نشان می‌دهد که چینی‌ها بیشتر به آن به عنوان یک نوآوری توجه داشتند تا چیزی با استفاده عملی.^۹

البسه نرمی که گفته شده از گوسفند آبی به دست می‌آمد و بر اساس هو-ها-نشو از پيله کرم‌های ابریشم وحشی ساخته شده بود، شاید عجیب‌ترین این مواد باشد. این ماده احتمالاً بایسوس (*byssus*)، پوشاکی ساخته‌شده از رشته‌هایی ابریشم‌مانند که با آن نرم‌تان دریایی نظیر پینا اسکواموسا^{۱۰} خود را به صخره‌ها می‌چسبانند، بوده است. این نرم‌تان در بخش‌های زیادی از مدیترانه یافت می‌شدند و مواد تهیه‌شده از رشته‌های آنها، ارزش زیادی در دنیای باستان داشت. تولید آن به صورت تجاری، دیگر مطرح

1. Sir Aurel Stein, *Serindia* (London, 1921), 373-4; C. G. Seligman, *Antiquity* xi (1973), 5ff.

2. Attalus

3. Pergamum

4. Attalica

5. *The book of Exodus*

6. Aaron's ephod

7. Pliny, *NH* viii. 196; Exodus 28: 6, 39: 3. See also Propertius iii. 5. 6, v. 5. 24; Virg. Aen. i. 648.

8. Levantine

9. Pliny, *NH* xix. 4.

۱۰. *Pina Squamosa*: نوع خاصی از صدف دریایی.

نیست، هرچند گیبون گزارش داده که در اوایل قرن هجدهم، پاپ بندیکت چهاردهم یک جفت دستکش تولیدشده از این ماده را هدیه گرفته است.^۱

برای بازرگانان چینی، بازآوردن البسه ابریشمی نازک در رنگ‌های مختلف به چین چیز خیلی عجیبی به نظر می‌رسد. برای درک این موضوع، باید اول از همه ببینیم چه اتفاقی برای ابریشم چینی زمانی که به امپراطوری روم می‌رسید، رخ می‌داد. ماده‌ای با بافت متراکم و کاملاً سنگین که چینی‌ها صادر می‌کردند، در کارگاه‌های بافندگی صور، صیدون، بریتوس^۲ و دیگر شهرهای سوریه، از هم باز می‌شد و دوباره به صورت پارچه توری سبک‌تر و شفاف‌تری، اغلب با مواد دیگری، بافته می‌شد. این همان چیزی بود که رومی‌ها به عنوان ابریشم می‌شناختند^۳، نه پارچه ابریشمی گلدار که ما معمولاً به عنوان ابریشم چینی می‌شناسیم. این چیزی بود که چینی‌ها می‌خریدند بدون آن که بدانند به سادگی دوباره ابریشم خود را خریده‌اند. در این جا اشکانیان از حيله‌ای بسیار هوشمندانه استفاده می‌کردند: آن‌ها به کانینگ گفتند که در امپراطوری روم کرم ابریشم پرورش داده می‌شود، در حالی که مطمئناً چنین نبود. آن‌ها دو هدف داشتند: نخست تشویق چینی‌ها به خرید البسه ابریشمی نازک از ایشان که بی‌شک کاملاً متفاوت از ابریشم چینی به نظر می‌رسید و در حقیقت، بافت چنین پوشاک نازکی نیازمند مهارتی بود که به نظر می‌رسد در چین ناشناخته بود. دوم و مهم‌تر از آن، متقاعد کردن چینی‌ها که صرفاً آنها انحصار ابریشم را در اختیار ندارند و در نتیجه پایین آوردن قیمتی که باید به بازرگانان چینی می‌پرداختند. شاید حتی اصلاً این امر باعث تعجب چینی‌ها می‌شد که می‌توانستند ابریشم خود را به غرب بفروشند!

استوراکس نوعی رزین یا صمغ روغنی است که در دنیای باستان در آسیای صغیر و سوریه از بوته استوراکس طیبی (*Styrax officinalis*) به دست می‌آمد.^۴ این ماده گاهی اوقات به عنوان بخور استفاده می‌شد، ولی استفاده اصلی آن در پزشکی بود. گفته می‌شود برای درمان سرفه، لنت مزاج، پادزهر سمومی مانند شوکران و درمان انواع دیگری از بیماری‌ها به کار می‌رفته است. در صورتی که چینی‌ها استوراکس خالص را خریده‌اند، پس این گزارش در هو-ها-نشو که می‌گوید این ماده از عصاره «همه نوع ماده‌ای درست می‌شد» نادرست است. ولی پلینی درباره ترکیب روغنی بیست و شش ماده از جمله

1. *Decline and fall of the Roman Empire*, ch. 40, iii, note.

2. Berytus

3. Pliny, *NH* vi. 101; Seneca, *De Ben.* Vii. 9

این اثر هم به شفافیت ابریشم مورد استفاده در روم اشاره می‌کند

۴. در حال حاضر از درخت گل حنای شرقی (*Liquidamber orientale*) هم به دست می‌آید که در اطراف مدیترانه شرقی می‌روید. موارد اصلی مصرف آن در زمان حاضر تولید لاستیک اتومبیل و پلی استایرن (*polystyrene*) است.

استوراکس صحبت می‌کند و آنرا «سلطنتی» می‌نامد، چرا که برای شاهان اشکانی تهیه می‌شد. این معجون با توجه به پیوند آن با اشکانیان بیشتر با توصیف هو-ها-نشو سازگار است تا استوراکس خالص. هرچند باید گفت لغتی چینی که در اینجا استفاده می‌شود، در آثار نویسندگان متأخر چینی به معنای استوراکس خالص است.^۱

رومی‌ها کهربا را از اسکاندیناوی می‌گرفتند و شنگرف^۲ از جزیره سوکو ترا^۳ نزدیک شاخ آفریقا می‌آمد. هر دو این‌ها به سادگی به دست رومی‌ها می‌رسیدند. احتمالاً خود اشکانیان سرزمین اصلی هیچ‌یک از تولیدات یادشده را نمی‌شناختند.^۴

سنگ‌های نادر قیمتی با نام‌هایی عجیب و غریب- که نمی‌توان با اطمینان مشخص کرد - محصول هیچ بخشی از امپراطوری روم نیستند. آن‌ها در اصل از هند آمده بودند و به اسکندریه صادر می‌شدند؛ در اسکندریه این سنگ‌ها با مهارت صیقل داده می‌شدند و تراش می‌خوردند؛ این تخصص (شاید در کنار فریب اشکانیان) چینی‌ها را متقاعد می‌کرد که امپراطوری روم باید منبع همه سنگ‌های قیمتی باشد. ولی نشانه‌ها و شواهدی در هو-ها-نشو وجود دارد که نشان می‌دهد ساده‌لوحی چینی در برخی مواقع از حد می‌گذشت. در پایان فهرست تا-تسین، در پاورقی‌ای که بعد از بقیه متن نوشته شده، نویسنده افزوده است: «کالاهایی که در این کشور از سنگ‌های نادر قیمتی تولید می‌شوند، به طور ساختگی توجه برانگیز بودند و عمدتاً اصل نیستند». آیا در این جا به زیورآلات بدلی شیشه‌ای که در سوریه تولید می‌شد و پلینی خاطر نشان کرده، اشاره شده است؟^۵ حداقل به نظر می‌رسد برخی بازرگانان چینی فریب اشکانیان بی‌پروا را خورده باشند. آنها ظاهراً به اشتباه خود پی می‌بردند، اما تنها هنگامی که کالاهای خریداری شده را به همکاران بصیرتر خود می‌فروختند.

1. Pliny, nH xii. 124-5 (توزیع جغرافیایی استوراکس) xxiv. 24, Xiii, 18. (مصارف پزشکی) (سلطنتی)

۲. شنگرف در اینجا رزین یا ص مغ درخت خون سیاوشان است نه سولفید جیوه، که منبع جیوه فلزی است و به این نام رواج دارد. ابهام مزبور به این دلیل به وجود می‌آید که آنها هر دو رنگدانه از همان رنگ قرمز روشن هستند.

3. Socotra

4. Tacitus, *Ger.* 45 (کهربا); *Periplus maris Erythraei*, 30 (شنگرف).

کهربا برای رومی‌ها خود بسیار جالب توجه و جذاب بود. برای زنبور، افعی و مورچه محصور در کهربا ر. ک.

Martial iv. 32, iv. 59, and vi. 15.

5. Pliny, NH xxxvii. 98.

یشم برای رومی‌ها ناشناخته بود. در حقیقت، اروپایی‌ها تا زمانی که بین آرتک‌های^۱ مکزیک آن را دیدند، چیزی در این باره نوشته‌اند. بازهم مطمئناً چینی‌ها یشم را از قلمرو اشکانی می‌خریدند، چرا که وئی-لیو نیز ده نوع یشم را در بین محصولات تا-تسین فهرست می‌کند. محتمل‌ترین توضیح این است که اشکانیان یشمی را به چینی‌ها می‌فروختند که از ناحیه ختن در حوزه تاریم، یکی از سرزمین‌های اصلی خود چینی‌ها، به دست می‌آوردند. در صورتی که اشکانیان ادعا می‌کردند آنچه می‌فروشند، یشم رومی است، احتمال بیشتری داشت چینی‌ها آن را خریداری نمایند، با این تصور که به نوعی متفاوت از ماده‌ای است که می‌توانستند در ختن بخرند.

پس بی‌شک اشکانیان سود قابل توجهی در مرو بدست می‌آوردند. ابریشم همچنان در راه خود به سمت غرب می‌رفت، مقداری از آن در خود پارت به فروش می‌رسید و بقیه از طریق کشور به سمت فرات می‌رفت، جایی که در برابر محصولات تا-تسین فروخته می‌شد. پالمیرا و دورا- اورپوس (شهری اشکانی) شهرهای تجاری عمده بودند. ولی چند شهر دیگر نظیر پترا، انطاکیه، زوگما^۲ و دمشق بر مسیرهای تجاری واقع شده بودند و به عنوان مراکز توزیع عمل می‌کردند. البته اشکانیان نیز می‌توانستند بسیاری از کالاهای رومی را در پارت بفروشند، چرا که قیمت ابریشم در مرزهای غربی ایشان خیلی بیشتر از مرو بود، چیزی که پارت‌ها از آن اطمینان داشتند. پارت که خود اندکی تولیدات داشت، از تجارت ابریشم ثروتمند شد. هنر اشکانی اغلب در قالب مجسمه این شاهزادگان و تجار شهری شکوفا شد که «اندام خوب تغذیه شده و شکم بزرگ آن‌ها برای همیشه در مجسمه‌ها باقی مانده است»^۳.

کار باستان‌شناسی زیادی در دورا- اورپوس، پالمیرا و پترا انجام شده و نشانه‌های زیادی از فعالیت‌های تجاری ایشان را آشکار کرده است. در نوشته‌هایی که به بازرگانان اشاره شده، کاغذی که حاوی قراردادهای تجاری در انواع مختلف است، یک فهرست عوارض از دوره هادریان در پالمیرا، ساختمان‌های زیادی اعم از عمومی و نظامی (چرا که این شهرها به خوبی محافظت می‌شدند) و معابد خدایان گوناگون رومی، یونانی و شرقی- همگی نشان‌دهنده رونق و صنعت این مراکز بزرگ تجاری هستند.

از طریق این شهرها، ابریشم به کارگاه‌های لوانت^۴ آورده می‌شد که به آن پرداختیم و شهرت زیادی برای مهارت در بافندگی داشتند. با تبدیل شدن به پارچه‌های توری ابریشمی یا کتان- ابریشمی، این ماده

1. Aztecs
2. Zeugma
3. Colledge, op. cit. 81
4. Levant

همچنان به مسیر خود در دستان بازرگانان ادامه می‌داد که آن را از طریق دریا به ایتالیا می‌بردند. مصرف مکرر آن در روم در اپیگرام مارشال^۱ به خوبی به تصویر کشیده شده است.^۲

شرایط سیاسی به نسبت ایده‌آل در جاده ابریشم چندان طولانی نبود. در سال ۱۳۰ میلادی، چینی‌ها کم‌کم تسلط خود بر ترکستان را از دست دادند و این منطقه به زودی بار دیگر به دست قبایل محلی ترک افتاد. در غرب، روابط رومی‌ها و اشکانیان رو به وخامت گذاشت. در سال ۱۶۳ میلادی، جنگ دوباره آغاز شد و شدیدتر از هر زمانی پیش از این پیش می‌رفت. یک سال بعد، در حالی که جنگ همچنان جریان داشت، طاعون وحشتناکی بین نیروهای رومی شیوع یافت و در بیشتر دنیای غرب گسترش یافت. در پایان قرن دوم، امپراطوری روم، سلسله هان در چین و شاهنشاهی اشکانی همگی با مشکلاتی روبرو بودند و در اوایل قرن سوم، سلسله هان و خاندان سلطنتی اشکانی، هر دو از قدرت ساقط شدند. ابریشم همچنان در جاده ابریشم حمل و نقل می‌شد، ولی با دشواری بسیار بیشتری نسبت به سال‌هایی که از لویانگ^۳ تا روم صلح برقرار بود.



۱. مارسسیال شاعر رومی است که نام کامل او Marcus Valerius Martialis است. او بین ۳۸ تا ۴۱ میلادی متولد شد. اثر او *Epigrams* (قطعات هجایی) است. این شاعر به طور کلی ۱۵۶۱ قطعه سروده است (م.م). برای آگاهی بیشتر ر.ک.

<http://www.britannica.com/biography/Martial-Roman-poet>

2. Martial iii. 82. 7, viii. 33. 16, viii. 68. 7, xi. 37. 3, xi. 8. 5, xi. 27. 9-11, xi. 50. 5, xii. 8. 8, xiv. 24.

همچنین به اثر ذیل که از این دوره باقیمانده است رجوع کنید:

Quintilian, Inst. Xii. 10. 47; Juvenal vi. 258, 403.

اگرچه تنوع موضوع اصلی مانع تحلیل قانع‌کننده‌ی درستی از اهمیت تاریخی ارجاعات ادبی به ابریشم و چینی شده، اما بدون شک تصادفی نیست که ارجاعات در اثر مارسسیال خیلی بیشتر از هر نویسنده غیرعلمی قدیمی است. افزون بر این بیشتر این ارجاعات در کتابهای هشتم تا دوازدهم است که بعد از سال ۹۰ میلادی نوشته شده‌اند.

3. Loyang